

متوجه مشغول ساختن مردم است مطالبی را هم می خواهد با آنها در میان بگذارد و به نتیجه برسد.

اگر ما ایرانیان بتوانیم با کمک علم و ذوق و اطلاع از سوابق تعزیه و تماشای روحوضی استفاده نموده تئاتری بسازیم که دارای محسنات تعزیه و روحوضی باشد ولی نواقص و معایب آن را نداشته باشد البته بسیار سودمند و بجا و مناسب خواهد بود، بخصوص که اکنون مدتی است فرنگی ها هم در پی یک نوع تئاتری هستند که بی شباهت به تعزیه و روحوضی ما نیست. این بسته به قریحه هموطنان ما می باشد و باید منتظر بود تا ببینیم آیا باز دستخوش سیل تقلید محض خواهیم گردید و یا آنکه همچنانکه تعزیه و روحوضی به وجود آمد دست زمان کار خود را خواهد کرد و دارای تئاتری خواهیم گردید که جنبه ایرانی محسوسی هم خواهد داشت...^۱»

تئاتر وزیرخان لنکران

سرگذشت یا تئاتر وزیرخان لنکران تألیف میرزا فتحعلی آخوندزاده نمایشنامه‌ای است به ترکی قفقازی که میرزا جعفر قراجه‌داغی آن را به فارسی ترجمه کرده و در سال ۱۸۸۲ به سعی لسترنج و هگردد، منشی سفارت انگلیس در تهران به انگلیسی ترجمه شد و حواشی سودمندی به آن افزوده شد. این نمایشنامه در سال ۱۹۳۰ به همت لسترنج در انگلستان به فارسی چاپ شده و پشت جلد آن این عبارت ذکر گردیده است: «این تئاتر در مکالمه امروزی زبان فارسی است که سیاحان فرنگی و فرنگیهای ایران و متعلمین هندوستانی را به کار آید...»^۲

تعزیه ماه محرم

یکی از سرگرمی های مردم که جنبه مذهبی و آن جهانی نیز داشت و ساعتها از وقت مردم را در ماههای محرم و صفر می گرفت شرکت در مجالس روضه و وعظ و تعزیه ماه محرم بود که در شهرها و دهات به فراخور وضع مالی و معتقدات مذهبی مردم هر ناحیه

۱. سید محمدعلی جمال‌زاده: تعزیه و تعزیه‌خوانی، راهنمای کتاب، سال نوزدهم، شماره ۴-۶، ص ۴۰۶ به بعد.

۲. لسترنج: جغرافیای تاریخی، ترجمه محمود عرفان، «مقدمه»، ص ۱۷.

به نحوی خاص صورت می گرفت و مردان و زنان و کودکان و نوجوانان جملگی در آن شرکت می جستند.

شعائر مذهبی

دکتر فوریه پزشک ناصرالدین شاه، جریان یک تعزیه را چنین توصیف می کند: «... تعزیه شروع شد، ابتدا تعزیه خوانهای سالخورده و خردسال به لباس اهل بیت به منبر رفتند و با یادآوری زندگی ائمه و شهدا، مردم را به ندبه و زاری خواندند، سپس یک عده فراش که فراش باشی در پیشاپیش آنها قرار داشت با یک عده سینه زن اشعاری خواندند و دور سگودور زدند بعد عده ای سی نفری که دوسنج چوبی در دست داشتند و به نظم مخصوصی آنها را به هم می زدند جلو آمدند، آنگاه نوبت به یک عده ۲۰ نفری رسید که لباس عربی برتن داشتند و حسین گویان به سینه می زدند، بعد از ایشان یک عده که فقط شلواری به پا داشتند و نیم خیز نیم خیز به هوا می جستند، بشدت به سروسینه خود می کوفتند و در جلو ایشان کسی که عمامه ای سبز بر سر داشت و ایشان را به نوحه گری وادار می کرد نمایش دادند.

دسته پنجم شش هیأت موزیکچی بودند که به تناسب موقع آهنگهای محزون یا مفرح می نواختند و یک عده هم اطفال گاه گاه دسته جمعی اشعاری می خواندند. بعد از اینکه این مقدمات برگزار گردید تعزیه خوانان اصلی سوار اسب با لباسهای رنگارنگ وارد صحنه می شوند و با قیافه های جدی از اسب به زیر می آیند و بر سگوبالا می روند و به خواندن اشعار می پردازند چون باید صدای ایشان به گوش تمام حضار این بنای بزرگ برسد (مقصود تکیه دولت در ارک است)... تعزیه امروز شرح شهادت حضرت حسین بن علی است و هروقت که اسم او برده می شود تمام فضا را ناله و زاری فرا می گیرد. در اواسط تعزیه که نمایش را اندک مدتی تعطیل می کنند یک عده سید و ملا بر تخت مروارید بالا می روند و با لحنی مؤثر شرح شهادت امام را بیان می کنند و بار دیگر مردم را به گریه و زاری درمی آورند و در همین موقع از بالای دیوارها چند فراش کرناهای خود را که رفیق آنها را صوراسرافیل می نامید باد می کنند و با صدای دلخراش آنها بر حزن این محفل دلگیر می افزایند. همینکه تعزیه پایان یافت سواره نظام و پیاده و زنبورکخانه و موزیکچیان... از جلوشاه می گذرند سپس شاه برمی خیزد و این جلسه چهار ساعته که با

غروب کردن آفتاب انجام می یابد تمام می شود...^۱»

مراسم عید قربان

دکتر فوریه دربارهٔ مراسم عید قربان در عصر ناصرالدین شاه چنین می نویسد:

«عید قربان را مسلمین به یادگار حضرت ابراهیم می گیرند و در این روز هر مسلمان مؤمنی باید لااقل جوجه ای را سر ببرد. سلطان عثمانی به دست خود گوسفندی را در اسلامبول قربانی می کند ولی در تهران شاهنشاه امر به کشتن شتری می دهد تا از سلطان عثمانی عقب نمانده باشد و چون از مباشرت به نحر شتر اکراه دارد هر سال از این حق شاهانه صرف نظر می کند و آن را به یک نفر شبیه خود که روز عید لباس فاخر در برمی کند و بر اسبی آراسته می نشیند وامی گذارد... مراسم نحر در میدان نگارستان صورت می گیرد و شاه با لباس تمام رسمی با همراهان در بالاخانه می نشیند. جمعیت زیاد در کنار منازل اطراف، یا روی پشت بامها برای تماشا می ایستد. شتر را که سراپا غرقه در زینت و آرایش است از خیابان ظل السلطان با یک دسته نظامی وارد میدان نگارستان می کنند... در وسط میدان جُل و جهاز لطیفی را که بر او انداخته بودند برمی دارند و با یک نیزه حلقوم او را می شکافند. هنوز حیوان بینوا جان نداده، جمعیت با فریاد و تنه زدن به یکدیگر سر او می ریزند و قطعه قطعه گوشت او را از دست یکدیگر می ربایند. این قبیل مراسم چه به عنوان سوگواری برای ائمه باشد چه به عنوان قربانی، منتهی درجهٔ تعصب مردم را ظاهر می کند، چه در روز عاشورا، عامه آنقدر بر سینه می زنند که خون از آنها جاری می شود و در عید قربان به این عنوان که ثواب دارد گوشت شتر را خام خام می خورند و بر سر به دست آوردن قطعه ای از آن به سر و مغز یکدیگر می کوبند...^۲»

دکتر زرین کوب، تصویری از تعزیه ماه محرم را در یکی از ولایات نشان می دهد:

«مردم در زیر برق آفتاب بر روی زمین نشسته اند. زنها آن طرف تر با روهای

۱. دکتر فوریه: سه سال در ایران، ص ۱۰۶ به بعد.

۲. همان کتاب، ص ۱۷۷.

پوشیده جای گرفته‌اند. دیوارها را سیاه پوشانیده‌اند و از درویم، همه جا درد و ماتم می‌بارد. در وسط مجلس فرش خاک‌آلوده‌ای انداخته‌اند، و در کنار دیوار دوستکامی بزرگی پر از آب سرد گذاشته‌اند. اردویی وحشتناک و ماتمزده، درمیان معرکه است. اسبها شیبه می‌زنند و کودکان فریاد می‌کشند. زنها با لباس سیاه و ژنده اسیران، چهره ماتمزده و دردآلود دارند و اطفال با صورتهای زرد و نزار و وحشت‌زده و خسته به نظر می‌رسند. عربها، با عقال و چپیه، حالتی گستاخ و بیرحمانه دارند. خودها و جوشنهاشان در زیر آفتاب برق می‌زنند، چکمه‌هاشان با مهمیزهای کهنه صدایی ناهنجار می‌کند، چکاچاک شمشیرهایشان، با صدای طبل و بوق، آهنگ هولناک زشتی ساخته است. چند کله مقوایی با ریشه‌های خون‌آلود، بر روی نیزه‌های سیاه در حرکت است. نعشهای خونین و بی حرکت در روی تابوتها و تختها دراز کشیده است.

ابن سعد با ریش سپید و جبهه ترمه و عمامه شال کشمیری بر تخت روان تکیه زده است و غلامان بر روی سرش چتر نگهداشته‌اند. فرنگی با عینک سبز و کلاه حصیری «آفتابه لگنی» بر سمندی نشسته است و با دوربین موج جمعیت را تماشا می‌کند. صدای بوق‌ونی و زنجیر با شیبه اسب و غریو شتر بهم درآمیخته و محشری بر پا ساخته است. شبیه‌خوان جوانی، با عمامه سیاه و شال سبز نوحه‌سرای می‌کند. تماشاچیان به گریه درمی‌آیند و بازیگران نیز، حتی قاتلان امام، از فرط تأثر گریه می‌کنند. زنها شیون می‌کنند و به سروسینه می‌کوبند. مردها دست به پیشانی نهاده‌اند و آهسته اشک می‌ریزند. آنجا مردی نشسته است که تعزیه‌گردانی با اوست، و او نوبت هریک از بازیگران را به اشارت دست معلوم می‌کند. اینجا کسی ایستاده است و به مردم گلاب و تربت می‌دهد و بر سرور و ایشان گاه و خاک می‌پاشد...

این تصویر است که در ذهن من، از تعزیه‌های ولایات باقی مانده است. اما دیگران، کسانی که تعزیه‌های بزرگ تهران و تکیه دولت را دیده‌اند، تصویرهای دیگر، کهنه‌تر و شاید باشکوه‌تری را به خاطر دارند. نمونه‌ای از این تصویرهای کهنه را در کتاب شرح زندگانی من اثر عبدالله مستوفی می‌توان دید (ج ۱ ص ۳۸۹ به بعد) و کهنه‌تر از آن توصیفهایی است که سیاحان فرنگی گاهگاه در سیاحتنامه‌های خویش از این مجالس آورده‌اند. در بین این فرنگیها کسانی هم بوده‌اند، که نسخه‌های این تعزیه‌ها را جمع آورده‌اند و حتی در طبع و ترجمه آنها نیز اهتمام ورزیده‌اند... از این تعزیه‌ها هنوز در

دهکده‌ها و شهرها، نمونه‌هایی باقی است و نویسنده آنها نیز غالباً معلوم نیست. ظاهراً آنست که هر دسته از بازیگران به اقتضای میل و ضرورت و یا مطابق وسایل و اسباب موجود، در نسخه خویش تصرف می‌کنند و به حفظ و رعایت اصل و متن چندان تقیدی ندارند.

اما مضمون این تعزیه‌ها چیست؟ توصیف مجالس و مقامات امامان و شهیدانست مع‌هذا اشخاص این نمایشها منحصر به امامان و یا شهیدان کربلا نیست، پیغامبران، پادشاهان، فرشتگان و حتی جتیان نیز در این داستانها نقشی و نوبتی دارند. مصائب و نوائبی که برای پیغمبران قدیم روی داده است، گاه در این مجالس، بر روی صحنه می‌آید. اما فوری در پایان داستان «گریز» می‌زنند و واقعه کربلا به یاد می‌آید. .

قصه «شیر و فزه» حکایت غریبی است که در آن نشان می‌دهند، بدان نیز از چنین حکایت هول‌انگیزی شرم داشته‌اند. داستان امیر تیمور و والی شام سرگذشت جالبی است که در آن معلوم می‌دارند، سفاک جنایتکاری مانند تیمور لنگ نیز نمی‌توانسته است چنین گناهی را بر اهل شام بیخشاید.

این تعزیه‌ها از جهت شیوه ترکیب و بیان زیاد خشن و ساده و ابتدایی و بی‌رویه است، اسلوب مجلس آرایبی آنها نیز ساده و ابتدایی است. نه حد و اندازه معینی دارند و نه مثل نمایشنامه‌های قدیم فرنگی در آنها مراعات بعضی وحدتها ملحوظ می‌شود. بازیگران نیز از مردم ساده و عادی‌اند و تربیت ذوقی ندارند «نقش» و نوبتی را هم که برعهده دارند، از روی نسخه می‌خوانند. حوادث بدون رعایت زمان و مکان به توالی پیش می‌آیند. حجله قاسم و تابوت علی اکبر، با تنور خولی و دیر راهب همه بی تربیت و تقریباً یک جا، روی تختی که در وسط تکیه است نمایش داده می‌شود و غالباً ظاهر صحنه‌ها نیز چندان عوض نمی‌شود. صحنه‌ها اکثر، خون‌آلود و وحشت‌انگیزست و از این رو، در خاطر بینندگان علی‌الخصوص که از طبقه روستاییان و بازاریان باشند، تأثیری غم‌انگیز دارند.

آنجا حجله قاسم را می‌آیند و حال نومیدی و ناکامی این جوان نورسیده را که در آستانه مرگ، قدم به خلوتگاه عشق می‌گذارد بیان می‌کنند. اینجا عباس، با دستهای بریده مشک تیرخورده‌ای را با دندان می‌گیرد و با آه و افسوس به سوی خیمه‌ها روانه می‌شود. یک لحظه یزید اسیران را در مجلس خویش می‌پذیرد و آنقدر گستاخی و

بی ادبی می کند که فریاد اعتراض فرهنگی بلند می شود. و لحظه ای دیگر، در خرابه شام دختر پدرمردۀ بینوایی، بهانه می گیرد و خوردنی می خواهد. نیمه شب جلادان به خرابه می آیند و طبق سر پوشیده ای را از جانب خلیفه برای او می آورند؛ اما درین طبق چیزی جز سر بریده پدرش نیست. همه این مناظر، خشن و خون آلود است و بسا که به جای وحشت، حس نفرت پدید می آورد اما در سراسر آن روح صفا و خلوص جلوه ای تمام دارد، با وجود این لحن عامیانه، و مناظر خون آلود و نفرت انگیز، در اکثر این نمایشها سوزی و دردی بی اندازه هست که در کسانی که حس دینی قوی دارند، تأثیر تمام دارد، و این حالی است که در همه درامهای مذهبی و دینی اقوام جهان هست. اما در ایران، این نمایشهای مذهبی، چندان سابقه دراز ندارد، با اینکه مراسم تعزیه محرم به دوران دیالمه بلکه به روزگار ابومسلم و حتی مختار می رسد، در کتابهای قدیم شاهدی بر وجود رواج نمایش و شبیه نیست. در سیاحتنامه های سیاحان قدیم اروپایی هم ذکری از آن به میان نیامده است. نسخه هایی هم که از این تعزیه نامه های فارسی اکنون در دست هست همگی تازه است و از این رو احتمال داده اند که تعزیه در ایران از نفوذ و تأثیر نمایشنامه های فرهنگی پدید آمده است. این دعوی که خاورشناسان کرده اند شاید از مبالغه خالی نباشد اما شک نیست که به هر حال علما و عامه مسلمانان، در قدیم نسبت به تقلید و نمایش نظر مساعد نداشته اند و آن را لغو و مذموم می شمرده اند. بعضی از اهل نظر هم، چنین گمان برده اند که سبب بی التفاتی مسلمانان به نمایش و درام، این نکته بوده است که اعتقاد به تقدیر و سرنوشت دیگر در نزد آنها جایی برای سعی و مجاهده و درآویختن با نوائب و دشواریهای روزگار - که در واقع اصل و بنیان نمایش و درام همانست - باقی نمی گذاشته است... برخلاف آنچه اکثر فرهنگها پنداشته اند، همه جا و در بین همه مسلمانان قولی رایج و مقبول نبوده است. مع هذا این گونه درامها، بار نخست در بین روستاییان و بازاریان که خود به هر حال بیش از سایر طبقات، به تقدیر و سرنوشت اعتقاد داشته اند، پدید آمده است و تقریباً در بین همان طبقه نیز هنوز شهرت و رواج دارد. باری، بی التفاتی مسلمانان به تقلید و نمایش بیشک سبب شده است که این شیوه سخن، قبول و رواج نیابد و همچنان بازاری و بدوی باقی بماند.

درباره ارزش این تعزیه نامه ها، این قدر می توان گفت که سادگی و بی تکلفی مهمترین مزیت آنهاست. لوئیس پله (Lewis Pelly) می گوید: که اگر ملاک و میزان

قبول و شهرت درام تأثیری باشد که در خوانندگان و شنوندگان دارد، هیچ نمایشنامه‌ای برتر و بالاتر از اینها نیست. و «فریدریش روزن»، در مقدمه‌ای که بر مجموعهٔ تعزیه در ایران تألیف لیتن (Litten) نوشته است، می‌گوید: در هیچ جای دیگر، انسان همدردی عمومی و عمیق نسبت به سرنوشت قهرمانان درام، به قدری که در تعزیه‌های ایران هست احساس نمی‌کند... حقیقت آن است که برای فهم و شناخت ارزش واقعی این آثار نباید فراموش کرد که مضامین آنها تا حدی دنبالهٔ اصول و ارکان مذهب و کیش بوده است... و سازندگان این نمایشنامه‌ها آن قدر قریحه و استعداد نداشته‌اند که بتوانند حرفهٔ خود را به پایهٔ هنر برسانند کسانی نیز که از موهبت ذوق و استعداد محروم نبوده‌اند، به این ادب عامیانه و بازاری سر فرود نمی‌آورده‌اند و همین نکته سبب شده است که این نمایشنامه‌ها هیچ ترقی و توسعه نیابد و همچنان در مرحلهٔ ساده و ابتدایی باقی بماند...»^۱

عزاداری

فر ریچاردز در سفرنامهٔ خود مراسم تعزیهٔ عاشورا و چگونگی و طرز این نمایش مذهبی را چنین توصیف می‌کند: «در طی ماه محرم چندین نمایش که همهٔ آنها با خاطرهٔ مصیبت بزرگی که در دهم محرم یا عاشورا اتفاق افتاده پایان می‌پذیرد. در روز عاشورا صحنه‌های زیادی به معرض نمایش گذاشته می‌شود؛ حرکت کاروان کوچک از مکه و ورود آن به کربلا و جنگیدن آنها سرانجام قتل و اسارت زنها و کودکان و رنج تشنگی و شهادت امام حسین، توسط هنر پیشگان متعصب در نهایت اخلاص نشان داده می‌شود. قبل از این نمایش عده‌ای نوحه می‌خوانند و جمعی زنجیرزن به زنجیرزدن و سینه‌زدن مشغول می‌شوند، زنجیرزنها شلوارهای گشاد سیاه بپا دارند و یک پیراهن گشاد یقه باز در برمی‌کنند و یک کمر بند چرمی روی آن می‌بندند.»^۲... این مردان و پسران پشت خود را برهنه می‌کنند و زنجیرهای خود را بر آن فرود می‌آورند، تا پشتشان کبود و زخم شود، عدهٔ دیگر سینه‌های برهنهٔ خود را با آهنگ مخصوص با دست خود می‌زنند تا قرمز و حساس شود... در این موقع سایر افراد تیغ می‌زنند... مقداری خون روی پیراهنهای سفید

۱. عبدالحمین زرین کوب: نه شرقی، نه غربی - انسانی، «یادداشتی دربارهٔ تعزیهٔ ماه محرم»، ص ۸۸-۸۳.

خود می ریزند... لکن عده زیادی از مردم کفن های خونین در برمی کنند و با خود قمه دارند... در تمام مدتی که این نمایشها اجرا می شود صدها زن و کودک... با گریه و زاری نسبت به شهدای کربلا ابراز همدردی می کنند...^۱»

کاساکوفسکی در تاریخ ۱۲۷۹/۷/۲۹ در مورد عزاداری ماه محرم می نویسد: «در ایام عزاداری بسیاری از ایرانیان نذر دارند یا خون خود را بریزند یا سراسر ماه محرم سقایی مسلمانان را به عهده بگیرند. دسته اول خود را زخمی نموده فریاد می زنند یا حسین، دسته دیگر تمام این ماه را داوطلبانه به شغل سقایی اشتغال ورزیده مشکی بر دوش گرفته و به طور رایگان به همه تعارف می کنند. سربازها جزو هر دو دسته هستند. سربازان پیر، خاکستر در آب کرده به صورت خود می مالند، سپس گاه در دامن لباس نظامی خود ریخته مشت مشت آن را به آسمان می پاشند و بر سر خود می ریزند. تمام این اعمال با لباس رسمی صورت می پذیرد. آن عده هم که زنجیرزن هستند تا کمر برهنه می شوند، کلیه رؤسا و افسران تا درجات امیرتومان در عزا شرکت می کنند... توپچیان عضلات بدن را سوراخ می کنند و قفل از آن می گذرانند و چون نظامی هستند لوله های تفنگ را از آن سوراخها می گذرانند... این جراحی فقط دفعه اول آن مشکل است بعد از آن جای سوراخ زیر پوست برای همیشه به جای می ماند...^۲»

۱. همان کتاب، ص ۱۷۲، به بعد.

۲. خاطرات کلنل کاساکوفسکی، پیشین، ص ۹۵.

- آبرگمولنز، آلكساندر ۳۱۷
 آتسز ۳۳۵، ۵۵۶، ۵۵۷
 آتن ۱۹۱
 آثار الباقیه ۶۰۰
 آثار البلاد ۱۲۵
 آثار الوزراء عقیلی ۳۲۵
 آخرین روزهای لطفعلی خان ۵۹۰، ۵۹۱
 آخوندزاده، فتحعلی ۶۵۲، ۶۶۹، ۷۱۰
 آخوندوف ۷۵
 آدم ۳۶۴
 آدمیت، فریدون ۲۷۷، ۵۲۴
 آذربایجان ۲۴۰، ۵۵۱، ۵۸۷
 آذرخشی ۵۵۷
 آذری، شیخ ۴۷۵
 آراء اهل المدینه الفاضله ۴۰۴
 آرش ۲۹۶، ۶۰۰
 آریان پور، امیر حسین ۲۱۲، ۵۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲
 آراین پور، یحیی ۶۶۶، ۶۶۷
 آزادی و حیثیت انسانی ۸۲، ۴۰۴
 آسوری ۳۰۲
 آسیا ۱۵۳، ۴۰۹
 آسیه ۱۵
 آشنائی با علم اقتصاد ۴۰۸
 آشیل ۶۲۷
 آصف ۵۸۱
 آصف الدوله ۱۷۵
 آصفی، خواجه ۴۶۵، ۵۵۹
 آصفی، دکتر ۴۳۲
 آغا بهرام خواجه ۳۸۴
 آغاز عصر خرد ۱۸، ۱۵۱
 آغا محمدخان قاجار ۱۷۹، ۵۰۹، ۵۱۱، ۵۵۱
 ۷۰۲، ۶۵۵، ۵۸۹
 آفریدون ۶۰۱
 آفریقای جنوبی ۵۳۴
 آفرینش و تاریخ ۲۲۳
 آقا حسین [ازابیل زرگر] ۵۲۰
 آقا خان کرمانی، میرزا ۷۵
 آقاداتی ۵۱۶
 آقاعلی ۵۸۹ - ۵۹۰
 آقا فتحعلی [کلانتر] ۳۰۲
 آقا لطفعلی رزاز ۶۵۱
 آقا لطفعلی صراف ۶۵۱
 آقا محمد نقی ۵۹۰
 آقا میرزا باقر ۵۸۸
 آقای آخوند ۵۲۴
 آق بیگم ۲۵۸
 آق شهر ۳۷۰
 آگهی شهان از کار جهان ۲۷۷
 آلب ارسلان ۱۰۲، ۳۱۵، ۳۴۴
 آل بسویه ۳۳۲، ۳۶۴، ۳۸۱، ۴۵۶، ۵۷۰، ۶۱۸
 ۷۰۶، ۶۳۷، ۶۳۶، ۶۲۹، ۶۲۰
 آل زیار ۶۰۳

- آلمان ۴۴، ۱۸۷، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۲
- آمار عمومی وزارت کشور ۵۷۳
- آمریکا - آمریکا
- آمریکای جنوبی ۵۳۳
- آواز بر جبرئیل ۶۹۲
- آیتی، عبدالمحمد ۳۲، ۴۰
- آینده [مجله] ۳۹۴، ۷۰۳، ۷۰۴
- آیین شهرداری یا معالم القریه ۳۲۲، ۳۲۳، ۴۸۸
- ابن خالویه نحوی ۵۶۱
- ابن خلدون ۱۴۵، ۱۴۶، ۲۰۷
- ابن خلکان ۳۵۱
- ابن رائق ۱۹۲، ۱۹۳
- ابن رشد ۳۶۷، ۵۶۷
- ابن رومی ۴۸۲
- ابن سعد ۷۱۳
- ابن سینا ۳۲، ۳۳، ۴۸، ۵۱، ۵۶، ۲۴۲، ۳۱۴، ۴۱۶، ۵۱۷
- ابن عرشاه ۲۵۸، ۲۵۹، ۳۷۰، ۳۷۴
- ابن عربی ۳۶۷، ۳۶۸، ۵۶۷
- ابن قتیبه ۶۹۸
- ابن کثیر شامی ۶۲۸
- ابن کلیس ۳۲۸
- ابن مسکویه - ابوعلی مسکویه
- ابن معازلی ۶۹۶
- ابن مقبله بیضاوی ۱۹۲، ۱۹۳
- ابن ندیم ۴۱۲، ۶۹۱
- ابن وحشیه کلدانی ۳۲۹، ۴۲۴
- ابن یعین ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۴۳۵، ۴۶۸، ۴۷۹
- ابواسحاق، شیخ ۳۵۷
- ابواسحاق شیرازی ۱۰۰، ۳۵۱
- ابوالبشر - آدم
- ابوالحسن [فتیه] ۱۰۱
- ابوالخیر، ابوسعید ۱۰۵، ۴۴۵، ۴۵۵
- ابوانعباس سقاح ۲۳
- ابوالعباس مکی ۴۴۱
- ابوالعبس [دلفک] ۶۳۰، ۶۹۳
- ابوالعنس ۶۳۵
- ابوالفضل عباس ابن حسین شیرازی ۴۵۶
- ابو الفوارس [مسخره] ۶۴۰
- ابوالعلاسی معری ۳۷، ۳۸، ۲۲۲، ۳۵۳
- ابوالملیح ۴۶۶
- ابوبکر ۶۴، ۲۰۰
- ابراهیم بن عباس ۷۶
- ابراهیم خان ۵۱۰
- ابراهیم خلیل (ع) ۲۰۵، ۳۶۴، ۳۹۳، ۶۲۰، ۷۱۲، ۶۸۴
- ابراهیم سلطان، امیرزاده ۲۵۴
- ابراهیم موصلی ۴۸۲
- ابرقو [شهر] ۴۷۷
- ابرقونی ۳۶۵
- آبله ۵۶۳
- این ایی الساج ۲۰۱
- این اثیر ۱۱۹، ۵۶۷، ۶۹۰
- این اثیر ۱۲۶، ۳۳۳، ۶۳۷
- این اخوه ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۱، ۴۹۳
- این الاتباری ۳۵۱، ۳۵۲
- این المنفع ۲۴، ۳۲، ۷۶، ۱۰۸، ۴۵۸، ۴۵۹
- این ایاس ۵۹۸، ۵۹۹
- ابن بطوطه ۳۶۰، ۳۶۳، ۳۶۸، ۳۶۹، ۴۴۵
- ۴۸۱، ۶۴۲
- ابن بقیه - محمد بن بقیه
- ابن جبیر ۲۰۲
- ابن حشام خوسفی ۲۵۱
- ابن حوقل ۴۵۶، ۶۰۰، ۶۰۶

- ابوبکر نهرانی ۴۶۷
 ابوتمام ۶۳۱
 ابو حازم بایلی ۲۳۱
 ابو حامد ۳۵۴، ۳۵۵
 ابو حفص حداد ۶۰، ۶۱
 ابو حنیفه ۳۶۰، ۴۲۱، ۶۳۶
 ابودلف خزرچی ۵۶۲ - ۵۶۳
 ابوسعید، امیر ۳۳۴
 ابو سلیمان دارانی ۴۳۶، ۴۴۱
 ابوسلیمان داود بن علی اصفهانی [طاهری] ۴۴۱
 ابوطاهر خسروانی ۳۰۰
 ابوطیب مصعبی ۷۱
 ابو یعید ۵۶۲
 ابو عثمان مغربی ۴۱۷
 ابو عثمان میری رازی ۳۹
 ابو علی چغان ۶۳۲
 ابو علی مسکویه ۳۳، ۴۸، ۴۹، ۵۲، ۵۳، ۷۱، ۷۷
 ابو علی هانم ۵۶۲
 ابولفرج رومی ۴۴۷
 ابومالک ۵۶۱
 ابومسلم ۷۱۵
 ابومعادیه ضریر ۴۴۶
 ابو منصور ماتریدی سمرقندی ۷۸، ۸۱
 ابونصر بشر بن حارث ۴۱۷
 ابونصر خانقاهی ۴۱۸
 ابونواس ۶۳۶
 ابوهریره ۱۰۴
 ابی عبدالله محاملی ۴۴۱
 ابی لهب ۵۶۲
 ابی ورد ۶۳۷
 اتابک ۳۸۹، ۵۳۹
 اتابک ازبک ۲۴۰، ۲۴۱
 اتابک افراسیاب ۳۶۸
 اتابکی، پرویز ۱۱۴، ۶۴۱
 اتازونی ← امریکا
 اتحاد جماهیر شوروی ← شوروی
 انبوی [حبشه] ۵۳۲
 انیرالدین اخیسکتی ۸۵
 اچ مای، لودویک ۴۰۸
 احسن التفاسیم ۲۳۵
 احسن التواریخ ۶۳۸، ۶۳۹
 احسن القصص ۶۲۸
 احمد [برادر غزالی] ۳۵۵
 احمد امین ۶۲۰، ۶۹۰
 احمد بن حسین بن علی کاتب ۵۶۹
 احمد بن منوچهر شصت کله ۴۸۵
 احمد بیک، شیخ ۵۸۱
 احمد بن حنبل ۳۲۶
 احمد بن عبدالرحمن حرانی ۴۶۰
 احمد بن فضلان ۲۳۶، ۲۳۷
 احمد شاه ۵۴۰، ۷۰۴
 احمد علی میرزا، شاهزاده ۲۷۶
 احمد میرزا ۲۶۵، ۲۶۶
 احمدی [پزشک] ۸۲
 احمدی [دینک زن] ۵۹۳
 احمدی بیرجندی ۲۵۱
 احیاء العلوم ۳۳، ۵۳، ۶۵
 احیاء الملوک ۲۰۷
 اخبار الطوال ۲۲۷
 اخبار برامکه ۳۵۱
 اخلاق جلالی ۴۸
 اخلاق ناصری ۴۰، ۴۸، ۴۹، ۵۳، ۱۱۹، ۱۲۰
 ۲۳۷، ۲۳۹، ۴۵۱، ۴۵۲
 ادب الکبیر ۳۲
 ادب اللسان ۷۴
 ادبایات امریکا ۸۲
 ادیب نهرانی ۲۳۹، ۴۵۲
 ادیب صابر ۳۴۴

استروسکی ۶۶۹	آرانسکی ۷۰۵
اسحاق ابن ابراهیم ۴۶۰	ارجان ۵۶۳
اسدی طوسی ۲۶، ۸۳، ۸۶، ۳۰۰، ۳۳۹، ۳۴۰	ارد اول ۶۲۷
۳۴۵، ۴۱۱، ۴۱۴، ۴۴۴، ۴۴۷	اردشیر ۲۴، ۷۴
اسرار التوحید ۸۵	ارز دوم ۳۷۰
اسرار المواعظ ۷۴	ارس [رود] ۲۶۶
اسرار طول عمر ۳۹۸	ارسطاطالیس ۳۱۲
اسرار نامه ۳۴۹	ارسطو ۱۱، ۱۲، ۲۴، ۴۸، ۷۲، ۷۴، ۱۹۱
اسعد گرگانی، فخرالدین ۲۴۵	ارشاد الزارعه ۴۰۶، ۴۰۷
اسفندیار ۶۹۰	ارمغان [مجله] ۵۸
اسفندیار کاتب ۲۹۴، ۵۶۸	ارمنستان ۶۲۷، ۵۶۳
اسکات و رینگ، ادوارد ۶۵۱	ارمنشاه ۳۶۶
اسکانلون، جان ۱۸۲	ارمنی ۳۸۶
اسکندر ۳۴۳، ۶۲۷	ارمنیه ۵۶۳
اسکندر، امیرزاده ۲۵۳	ارواح مردگان ۱۵۸
اسکندر عمر شیخ بهادر، شاهزاده ۴۶۸	اروپا ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۰، ۲۸۸، ۵۲۹، ۶۲۱
اسکندر نامه ۳۲۴، ۶۹۲	اریستوزیتون ۱۹۱
اسکندری، ابوالفتح ۴۲۱	از صبا تا نیما ۶۶۷
اسلام ۱۲، ۱۸، ۲۰، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۳۹	اسپانیا ← اندلس
۴۰، ۴۸، ۵۲، ۵۳، ۶۷، ۷۲، ۷۳، ۷۵، ۱۹۷	استاد حاجی کهشی نانی [نوازنده] ۵۵۹
۲۰۵، ۲۱۸، ۲۲۱، ۲۲۴، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۰	استاد حاجی نانی [نوازنده] ۵۵۹
۲۸۰، ۳۰۴، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۶، ۳۲۹، ۳۳۲	استاد حسن بلیانی [نوازنده] ۵۵۹
۳۳۹، ۳۵۷، ۳۶۰، ۳۶۲، ۴۱۷، ۴۲۱، ۴۳۹	استاد سید احمد عجبکی [نوازنده] ۵۵۹
۴۴۳، ۴۵۰، ۵۵۱، ۵۵۹، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴	استاد طوس ← فردوسی
۶۱۷، ۶۱۸، ۶۲۰، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱	استاد علی خانقاهی [نوازنده] ۵۵۹
۶۳۵، ۶۶۱، ۶۶۳، ۶۷۰، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۸	استاد علی کوچک طنبوری [نوازنده] ۵۵۹
۶۹۹	استاد قل محمد عودی [نوازنده] ۵۵۹
اسماعیل ۶۲۰	استاد کافی پنبه دوز اصفهانی ۶۵۱
اسماعیل بزاز ۶۵۴، ۶۵۶، ۶۵۷	استاد محمدی [نوازنده] ۵۵۹
اسماعیل بن احمد ۴۵۷	استانبول ۳۹۶
اسماعیل خان ۵۶۰	استجمن، ویلیام هـ. ۲۱۰
اسماعیل صفوی، شاه ۱۴۷	استر آباد ۱۴۹
اسماعیلیه ۳۳۳	استر آبادی ۷۴
استاد تاریخی عهد صفویه ۳۷۷، ۵۸۴	استرالیا ۲۱۲

- افضل الملك ۶۱۵، ۶۱۴
 افلاطون ۴۰۷، ۳۱۴، ۷۴، ۷۲، ۵۲، ۲۹، ۲۸، ۲۴
 افلاکی ۳۶۳، ۳۶۱
 اقبال آشتیانی، عباس ۱۰۵، ۱۳۷، ۱۴۰، ۱۴۱
 اقبال ۱۸۵، ۳۶۷، ۵۶۸، ۶۳۲
 اقبال السلطان ۷۰۶
 اقتصاد در حال توسعه و برنامه ریزی نیروی
 انسانی ۴۱۹
 اکبر، فتح الله [سپهدار رشتی] ۷۰۳، ۷۰۴
 اکبری [دینک زن] ۵۹۳
 اکرانوسکی، ا. ۲۹۰
 الالبیه عن حقایق الادویه ۴۳۱
 الادب الصغير ۳۲
 الانسان الكامل ۱۰۵، ۱۰۶، ۴۳۹
 البصائر والذخائر ابوحيان ۶۳۷
 البیان والتبیین ۴۵۹
 البیان بیک ۵۷۷
 التصفيه فی احوال المتصوفه ۸۱، ۲۵۰
 التفهیم ۵۹۶، ۶۰۱
 التنبیه علی سبل السعاده ۳۱، ۴۸، ۴۹، ۵۰
 الجبر، خلیل ۳۲
 الراضی بالله ۱۹۲، ۱۹۳
 الشرشی ۳۳۰
 الطب الروحانی ۲۷
 الطبیخ ۴۱۲
 الطبیخ للمرضی ۴۱۲
 الطهاره ۵۳
 الظاهر برفوق ۵۹۹
 الخ بیک، میرزا ۲۵۴، ۲۵۷، ۲۵۸
 الخ بیک و دوران او ۲۵۸
 الفاخوری، حنا ۳۲
 الفلاحه النبطیه ۳۲۹
 الف لیله و لیله [هزار افسان] ۷۴، ۶۹۷
 الفهرست ۴۱۲، ۶۳۳، ۶۹۱
 اشراقی، دکتر احسان ۳۷۷، ۵۸۱
 اشرف، محمد سعید ۳۲۳
 اشعری ۱۲۲، ۱۲۳
 اشکانیان ۲۰۲، ۳۱۸، ۳۳۰، ۶۲۷، ۶۹۱
 اشکوس ۳۹۳
 اصطخری ۴۴۵
 اصفهان ۱۸۷، ۲۷۳، ۲۷۷، ۳۵۲، ۳۶۳، ۳۸۵
 ۴۲۳، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۹، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۷۹
 ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۶، ۶۲۱، ۶۵۳
 ۷۰۶
 اصول حکومت آنن ۱۹۱
 اصول روانشناسی ۴۰۴
 اصول علم سیاست ۵۷۱
 اصول مذهب دیوانیان ۱۷۷
 اصیل الدین ابوالمکارم ۶۴۱
 اطعمه، شیخ ابو اسحاق ۲۹۸، ۳۳۱، ۴۲۶، ۴۶۷،
 ۴۶۹
 ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶
 اطلاعات [روزنامه] ۵۷۰
 اعتصامی، پروین ۶۹۲
 اعتماد الدوله ۳۸۰، ۶۰۸
 اعتماد السلطنه ۱۷۴، ۳۸۶، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۵۳،
 ۶۵۴
 اعراب ۵۵۱، ۶۳۵، ۶۶۰، ۶۶۵، ۶۹۷
 اغانی ۴۵۷
 افراسیاب ۶۰۰، ۶۸۸
 افرنج [دیار] ۲۵۵
 افریقا ۲۰۱، ۲۰۵
 افسانه زندگی ۶۸۳
 افشار، ایرج ۸۱، ۱۷۴، ۲۴۹، ۲۷۲، ۴۱۸،
 ۴۵۳، ۵۲۵، ۵۳۸، ۵۶۹
 افشار، میرزا مهدی خان ۳۸۳، ۳۹۲
 افضل التواریخ ۶۱۴، ۶۱۵
 افضل الدین محمد مرقی کاشانی ۹۹

امیر تیمور گورکان ۱۳۸، ۱۴۵، ۱۴۷

امیر تیمور و والی منام ۷۱۴

امیر جفری ۴۵۷

امیر چغانیان ۶۰۲

امیر حمید ۶۳۲

امیر خسرو دهلوی ۸۹، ۲۹۹، ۳۶۵

امیر شاه ولی کو کلتاش ۶۴۵

امیر شاهی سبزواری ۳۶۶

امیر علی شیر - نوانی، امیر علیشیر

امیر عمید ۵۵۵، ۵۵۶

امیر کبیر، میرزاتقی خان ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱،

۲۷۶، ۲۷۷

امیر کبیر و ایران ۱۷۰، ۲۷۷

امیر گورکان ۶۰۲

امیر نظام گروسی ۷۳، ۱۷۲، ۵۲۲

امیر محمود ۳۴۷

امین - محمد امین

امینی، احمد ۲۲، ۲۳

امین، غلامحسین ۲۵۳

امین الدوله ۳۸۸

امین السلطان ۱۷۵، ۳۸۸

انتشارات نور ۶۲۸

انجیل متی ۸۵

اندرز آذرباد فرنیخ ۲۶

اندرز اوشرداناک ۲۶

اندرز بخت آفرید ۲۶

اندرز بزرگمهر ۲۴، ۲۵، ۹۹

اندرز خسرو قبادان | کوانان | ۲۴، ۲۵

اندرز زرتشت | پند نامه زرتشت | ۲۴، ۲۵

اندرز مار سپندان ۲۴، ۲۵

اندرز نامه اردشیر بابکان ۲۷

اندلس | اسپانیا | ۲۰۱، ۳۳۰، ۴۳۱، ۴۶۱، ۴۶۲،

۵۰۶

اندونزی ۵۳۲

القادر بالله ۳۴۹، ۳۵۰

المتقی | خلیفه | ۲۱۳

المتوکل ۶۳۰، ۶۳۵، ۶۹۳

المستظهر بالله ۶۹۳

المقتدی بالله ۶۳۰

المنقذ من الضلال ۴۰۵

النجیق | شهر | ۲۴۰

النقص ۱۲۶

الوزراء و الكتاب ۴۵۸

الله وردی خان ۶۰۸

اللهی، نور علی ۳۰۴

امازیس ۳۱۸

امام، سید محمد کاظم ۴۶۵

امام الحرمین جوینی ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۴

امام جعفر صادق (ع) ۳۴

امام زاده اسماعیل ۳۸۲

امام شوشتری | مدرسه | ۴۸۱

امام شوشتری، محمد علی ۲۷، ۷۷

أم السلمه ۲۳۱

امامقلی خان ۱۵۱

امامی، جمال ۷۰۴

امثال و حکم ۸۲، ۸۵، ۸۶، ۲۲۸، ۲۲۹، ۳۴۶،

۴۱۳، ۴۳۷، ۴۳۳

امریکا ۴۱، ۲۸۸، ۳۹۷، ۴۰۹، ۴۳۳، ۵۲۸،

۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۲

ام کلثوم ۲۲۳

امویان - بنی امیه

امیدی رازی ۱۴۷

امیر ابراهیم ۳۶۸

امیر احمد ۳۴۷

امیرالمؤمنین - علی (ع)

امیراومانی ۵۶

امیرانصر ۳۴۷

امیر تیمور | نمایش | ۶۵۸، ۶۶۶

- اندیشه نرفسی و حکومت قانون عصر
سپهسالار ۵۲۴
- انسان کامل - انسان کامل
انسان گرسنه از ژوبلیتیک گرسنگی | ۱۱۹،
۵۳۳
- انصاری - مسعود انصاری، عبدالحسین
انصاری، حاج میرزا حسن خان ۲۷۷
انصاری، سعید ۷۵
- انصاری، خواجه عبدالله ۱۰۵، ۳۳۵، ۳۴۵
- انقلاب ایران ۱۸۰، ۳۸۹
- انقلاب مشروطیت ایران ۲۷۶
- انکیانو [امیر مغول] ۱۳۶
- انگلستان ۴۱، ۱۶۶، ۱۸۶، ۲۸۸، ۵۳۲، ۷۱۰
- انگلس - انگلستان
- انوری ۵۵، ۵۶، ۶۵، ۶۶، ۱۴۷، ۱۷۹، ۳۰۰،
۵۵۶
- انوشیروان [انوشیروان] ۲۴، ۲۵، ۴۰، ۴۸، ۷۴،
۹۷، ۱۱۵، ۲۲۴، ۳۵۶، ۴۱۴
- انوشه، حسن ۴۴۵
- انیس العشاق ۲۹۸
- انیس الناس ۱۱۴، ۱۱۶، ۱۱۷، ۲۴۷، ۲۴۹،
۴۵۳، ۴۵۲
- انیشتن، آلبرت ۱۸۶
- اوحدی سراغی ای ۸۳، ۸۶، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۳،
۱۴۴، ۳۰۷، ۳۴۱، ۳۴۴
- اورپد ۶۲۷
- اورشلیم ۳۳۳
- اوروج بیک ۵۰۶
- اوزبک ۵۸۰
- اوزه ۵۴۶
- اوستا ۲۵، ۶۰۱، ۶۲۶، ۷۰۵
- اوصاف الاشراف ۴۸
- اوکدای قآن بن چنگیز ۸۸، ۶۴۲
- اونیک [شهر] ۳۷۰، ۳۷۱
- اویس قرنی ۴۳۸
- اهر ۵۲۱
- اهرستان [باغ] ۵۶۹
- اهواز ۲۳۱، ۵۶۲، ۵۶۳
- ایاز ۲۹۴، ۲۹۵، ۴۴۵
- اینال کنسولت ۴۱۹
- ایتالیا ۵۱۲، ۵۲۹
- ایذه ۳۶۳
- ایران ۲۲، ۴۲، ۴۹، ۵۳، ۶۰، ۸۲، ۱۳۰،
۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۳،
۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۷۳،
۱۷۷، ۱۸۷، ۱۹۷، ۲۱۰، ۲۱۴، ۲۱۵،
۲۱۹، ۲۲۴، ۲۴۰، ۲۷۳، ۲۸۱، ۲۸۳،
۲۸۴، ۲۸۹، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۱۸، ۳۳۱،
۳۸۸، ۳۹۱، ۳۹۹، ۴۰۹، ۴۱۳، ۴۲۰،
۴۴۴، ۴۵۲، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۹۷، ۵۰۱،
۵۰۲، ۵۱۴، ۵۱۶، ۵۱۸، ۵۳۵، ۵۴۲،
۵۴۳، ۵۴۷، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۶۸، ۵۷۰،
۵۷۲، ۵۷۳، ۵۸۲، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۹۷،
۶۰۰، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۲۱، ۶۲۳، ۶۲۶،
۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۴۲،
۶۵۱، ۶۶۷، ۶۷۰، ۶۷۴، ۶۸۹، ۶۹۵،
۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۲، ۷۰۶، ۷۰۸، ۷۰۹،
۷۱۵، ۷۱۶
- ایران از نظر خاورشناسان ۱۸۵
- ایران بی نقاب ۱۸۵، ۱۸۶
- ایران در زمان ساسانیان ۴۱۰
- ایران زمین - فرهنگ ایران زمین
- آبرانشهر ۶۲۹
- ایرج میرزا ۴۸۰، ۵۴۰، ۷۰۴
- ایروان ۲۶۶
- ایزوب ۲۹
- ایکاروس ۳۱۱
- ایلچی خان [میدان] ۵۷۹